

گاهنگاری و روند تداوم استقرار شهر جندی‌شاپور با تکیه بر شواهد باستان‌شناختی^۱

محمد سعیدپور*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه محقق اردبیلی

کریم حاجی‌زاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

رضا رضالو

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

حسن کریمیان

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۰۳ تا ۱۲۱)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۸/۱۰

چکیده

تلاش پادشاهان ساسانی در احداث شهرها به اندازه‌ای درخشان بود که به نام هر یک از آن‌ها یک یا چند شهر به ثبت رسیده است. چنان‌که از منابع تاریخی برمی‌آید، جندی‌شاپور یکی از شهرهای مشهور شاپور اول در خوزستان است که همانند بیشاپور با پلان مستطیلی شکل ساخته شده بود و همانند بیشاپور، از یک طرف به رودخانه‌ی سیاه منصور محدود بود. لیکن در اینجا قلعه و دژی وجود نداشته تا از شهر حفاظت کند. باوجود کثرت مکتوبات تاریخی درخصوص این شهر عصر ساسانیان اطلاعات اندکی درباره‌ی تاریخ دقیق احداث و روند تداوم استقرار آن در دست است. همچنین سازمان اجتماعی ساکنان شهر و عملکرد محله‌های آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به‌منظور رفع ابهاماتی از این‌دست، مطالعات باستان‌شناسانه نگارندگان با نقشه‌برداری و تهیه عکس هوایی از این شهر و سپس بررسی سامانمند باستان‌شناختی در آن به انجام رسید و درمجموع چهل و یک تپه باستانی شناسایی و ثبت شد. هدف پژوهش حاضر شناخت دوره‌های استقرار و چگونگی روند تداوم شهر تا دوره‌های اسلامی بود. نتایج گونه‌شناختی، مطالعه‌ی تطبیقی یافته‌های سطحی، گاهنگاری و شناخت دوره‌های استقرار این شهر را در پی داشت و روشن ساخت که استقرار در آن تا قرون متأخر اسلامی تداوم داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهر جندی‌شاپور، گاهنگاری، باستان‌شناسی، سفال اسلامی، سفال ساسانی

* رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسئول: msaidpor@gmail.com

۱. مقاله فوق برگرفته از پایان‌نامه‌ی دکتری تحت عنوان: «مطالعه و بررسی باستان‌شناختی شهرهای جندی‌شاپور و ایوان کرخه» است که در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه محقق اردبیلی به انجام رسیده است.

۱. مقدمه

اگرچه شرایط مطلوب اقتصادی و تجاری و مقتضیات نظامی در احداث تعداد قابل‌توجهی از شهرهای کهن ایران تأثیر به‌سزایی داشته، باوجود کثرت و وسعت شهرهای باستانی، مطالعات باستان‌شناسانه‌ای که بتواند روند شکل‌یابی، توسعه و اضمحلال آن‌ها را روشن سازد، بسیار اندک است (کریمیان، ۱۳۸۶: ۵۳۹). این نقیصه در مورد شهرهای ساسانیان چشمگیرتر و درعین‌حال توجیه‌ناپذیرتر است، زیرا از این دوران منابع مکتوب متعددی نظیر سنگ‌نوشته‌ها، اطلاعات سکه‌شناسی و مستندات باستان‌شناسانه فراوانی در اختیار است (Karimian, 2010: 453).

پایداری و تداوم حیات ساسانیان تنها مرهون نظامی‌گری آن‌ها نبود. این سلسله نسبت به تقویت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی همچون توسعه راه‌ها، کاروانسراها، ایستگاه‌های راهداری، تشویق تجارت، توسعه کشاورزی، ایجاد شبکه‌های آبیاری و آبرسانی، پل‌سازی و شهرسازی اهتمام ویژه‌ای داشت. مسلم است که ایستادگی در برابر امپراتوری روم که البته تنها دشمن ایران در زمان ساسانیان نبود، نمی‌توانست بدون یک جامعه حقیقتاً قدرتمند و برخوردار از زیرساخت‌های مستحکم انجام گیرد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۸۶).

شاپور، اسرایی را که از شهر انطاکیه شام گرفته بود، در جندی‌شاپور سکونت داد. شهر به نام شامی «بت‌لاپات» مرسوم شد و ایرانیان ظاهراً واژه‌ی بلاباد، را از آن ترکیب کرده و افسانه راجع به شرکت پیری «بلانام» را در بنای شهر ساختند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۴۱). دینوری درباره ساخت شهر جندی‌شاپور به‌وسیله‌ی شاپور می‌نویسد: «وقتی شاپور به روم لشکر کشید تعداد زیادی از رومیان را اسیر کرد و برای اسکان اسرای رومی شهر جندی‌شاپور را بنیاد کرد و اشاره می‌کند که این شهر را به زبان خوزی «نیلاط» می‌گفتند، لیکن مردمش آن را «نیلاب» می‌خواندند.» (دینوری، ۱۳۴۶: ۵۰۰) انتخاب جندی‌شاپور به‌عنوان پایتخت یعقوب لیث صفاری در قرن سوم هجری مؤید آن است که این شهر سده‌ها بعد از سقوط ساسانیان نیز به حیات خود ادامه داده است^۱ (هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۳) (تصویر ۳).

باوجود تأکید منابع تاریخی بر شهرت این شهر به‌عنوان مرکز علمی و پزشکی و پیشرفت صنعتی و کشاورزی آن، مطالعات باستان‌شناسانه متمرکزی که بتوان به پرسش‌هایی در زمینه‌ی دوران حیات و روند تداوم شهر پاسخ گوید به انجام نرسیده است. در پاسخ به پرسش‌هایی از این دست بود که نگارندگان اثر حاضر، ضمن تهیه نقشه‌ی جدید شهر و انجام بررسی باستان‌شناختی در آن، نسبت به مطالعه‌ی تطبیقی و گونه‌شناسی مواد فرهنگی به‌دست‌آمده مبادرت ورزیدند. هدف از پژوهش، گاهنگاری محوطه و شناخت توالی فرهنگی بود تا بتواند به‌عنوان پایه‌ای در انجام مطالعات بعدی، از جمله شناخت روابط فرهنگی درون منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. مطالعات باستان‌شناسانه شهر با نقشه‌برداری آغاز و با انجام بررسی در عرصه شهر، ۴۱ تپه باستانی با ابعاد و اندازه‌های مختلف شناسایی و ثبت شد، اگرچه تراکم یافته‌های سطحی در آن‌ها اندک است، به دلیل وجود مصالح معماری در مقطع لایه‌های باستانی، بی‌تردید بقایای شهر مورد مطالعه را در خود جای داده‌اند. نوشتار حاضر بخشی از نتایج مطالعات نگارندگان را منعکس ساخته است.

۲. پیشینه‌ی شهر جندی‌شاپور

خوزستان (الأهواز) استانی ثروتمند و کم‌ارتفاع بود که دست‌کم به هفت شهرستان تقسیم می‌شد. یعقوبی شهرستان‌های آن را چنین برمی‌شمارد: «جندی‌شاپور، سوس، نهرتیری، منادر، شوشتر، ایذج و رامهرمز، این‌ها

را سپهبدی بود به نام سپهبد فارس» (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۱۸) بر اساس اسناد شورایی کلیسایی، به سال ۴۱۰ م. ایران دارای شش ولایت مسیحی‌نشین با یک سر آسقف که سمت رهبری داشته، بوده است، که نام یکی از آن‌ها بیت‌هوزایه بوده که مطران‌نشین آن در بیت‌لاپاط یا همان جندی‌شاپور عصر ساسانی سکونت داشته است (بارشاطر، ۱۳۷۵: ۳۷۵). برخی از مورخان معتقدند که نام اصلی جندی‌شاپور «وه اندیو شاپور» یعنی بهتر از انطاکیه شهر شاپور [اندیو (در زبان پهلوی) = انطاکیه] بود (مجله‌التواریخ و القصص، ۱۳۷۹: ۲۴ ب؛ معجم‌البلدان، ۱۹۶۵: ۱۳۰؛ فرای، ۱۳۷۱: ۱۸۰).

ابن حوقل نوشته است: «جندی‌شاپور شهری فراخ نعمت و پربرکت است، در آنجا نخلستان‌ها و کشتزار فراوان و آب‌هاست و به سبب همین فراخی نعمت و داشتن خواروبار بسیار، یعقوب لیث آنجا را اقامتگاه ساخت و هم آنجا بمرد و قبرش در آن شهر است.» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۸) مقدسی در قرن چهارم هجری می‌گوید: «پارچه‌های قلاب‌دوزی طراز و همچنین کشتزارهای برنج فراوان دارد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۵۶)

حمزه اصفهانی می‌نویسد: «جندی‌شاپور چون صفحه یک شطرنج ساخته شده و در طول و عرض آن، هشت خیابان احداث گردیده بود.» (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۴۷)

جندی‌شاپور جزو شهرهای با پلان مستطیل شکل است. در جندی‌شاپور فعالیت‌های باستان‌شناسی اندکی صورت گرفته است و حتی تا قرن بیستم محل آن پایتخت مشهور نامعلوم بود. ولی اکنون محل آن در حاشیه رودخانه سیاه منصور، واقع در جنوب دزفول و در حدود ۶ کیلومتری شمال‌غربی، تپه ماقبل‌تاریخی چغامیش، مشخص شده است. طرح مربع مستطیل به نظر می‌رسد که به وسیله دو خیابان اصلی، به چهار بخش تقسیم شده و چندین خیابان موازی با ترتیب کم‌وبیش معمولی نیز دیده می‌شود و این در شرایطی است که بازسازی تعداد هشت خیابان، در هر یک از جهات هنوز صورت نگرفته است (هوف، ۱۳۷۴: ۵۰).

آثاری که امروزه در شهر جندی‌شاپور باقی مانده است، نشان‌دهنده یک نقشه با محور طولی میانی کاملاً واضح، در چهارچوب یک حصار به طول تقریبی ۳ کیلومتر و عرض ۱/۵ کیلومتر است (هوف، ۱۳۶۵: ۷۶۳).

ساسانیان بانیان بزرگ شهرها به شمار می‌روند و منابع تاریخی، وسعت شهرسازی را که تقریباً در زمان همه‌ی شاهان این سلسله معمول بوده، گزارش می‌دهند. شاپور اول اسرای رومی را در جندی‌شاپور جای داد، خرابه‌های این شهر بین دزفول و شوشتر واقع است و تقریباً سراسر آن زیر گاوآهن منهدم شده است. طرح آن عبارت است از مستطیل وسیعی که شباهتش به طرح اردوگاه‌های رومی عجیب می‌نماید. همین طرح در ایوان کرخه در نزدیکی شهر تاریخی شوش نیز دیده می‌شود. برطبق روایات، شاپور دوم نیز اسرایی را که از مغرب آورده بود، در این ناحیه جای داد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۸۶).

شهر مزبور به دلیل موقعیت جغرافیایی و طبیعی و آبیاری پیشرفته و کشت نیشکر در مسیر رشد و توسعه قرارگرفت و با کوشش بازرگانان مسیحی رونق اقتصادی «تولید و بازرگانی» نیز پیدا کرد و با مهاجرت نصرانیان نسطوری و پدید آمدن کلیساهای متعدد و مراکز جدید آموزشی معنویت شهری نیز هم‌پای توسعه فیزیکی چشمگیر شد. خاصه اینکه در بیشتر مواقع پادشاهان و امیران و حاکمان خوزستان با رفتار همراه با تساهل و تسامح مذهبی شهر جندی‌شاپور را در وضعی قرار می‌دادند که به گونه «قصبه عامره» بتواند بزرگ‌ترین مرکز علمی و فرهنگی روزگار خود را پدید آورد (تکمیل همایون، ۱۳۶۷: ۳۹).

امروزه از آن شهر پرشکوه و با عظمت دوره‌ی ساسانیان و اوایل اسلام فقط بقایای جرزهای شکسته با آجرهای قرمز و سفال‌های پراکنده در سطح شهر و خطی از خاک‌ریزها و قنات‌ها به‌اضافه امامزاده عبدالکاظم، آثاری است که در جندی‌شاپور، قابل مشاهده است (دوبد ۱۳۷۱: ۳۴۸).

شاپور و پدرش به‌عنوان سازندگان شهرها در یادها مانده‌اند. در میان شهرهای بسیاری که شاپور پی افکند، شهر مورد علاقه‌اش بیشاپور و شهر تازه‌ای در خوزستان بود که بعدها به جندی‌شاپور معروف شد و بسیاری از اسرا و از جمله اسقف مسیحی انطاکیه را در آن اسکان دادند (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۰۸). جندی‌شاپور یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین شهرهای ایران به‌شمار می‌رفت، صنعت و بازرگانی پررونق این شهر عمدتاً در دست مسیحیان بود و یکی از کهنسال‌ترین اسقف‌نشین‌های شرق به‌شمار می‌رفت (پیگولوسی‌کایا، ۱۳۸۷: ۴۴۴).

در ۱۹۶۳ میلادی، نخستین بررسی‌ها و پی‌گردی‌های باستان‌شناسی در محوطه جندی‌شاپور، توسط ادمز و هانسون انجام شده است که اطلاعاتی در مورد این شهر با نقشه مستطیل‌شکل ارائه می‌دهد (Adams 1968:53-73). (نقشه ۲)

در حدودالعالم (۳۷۲ هجری قمری) از جندی‌شاپور با نام «وندو شاور» چنین توصیفی آمده است: «وندو شاور شهری است آبادان و با نعمت بسیار و گور یعقوب لیث آنجاست». (ستوده، ۱۳۵۲: ۱۳۹). حکیم ابوالقاسم فردوسی در چگونگی شکل‌گیری و پدید آمدن این شهر آورده است:

از او کرد خرم یکی شارسان	نگه کرد جایی که بود خارسان
جز این نام نامی نرانی ورا	کجا گندشاپور خوانی ورا
که دارند هرکس بر او بر گذر	در خوزیان دارد این بوم و بر
پر از مردم و آب و سود و زیان	از او تازه شد کشور خوزیان
که پردخت بهر اسیران روم	یکی شارسان بود آباد بوم

(فردوسی، ۱۳۴۵: ۴۵۸)

۳. روش پژوهش

در پژوهش حاضر هم‌زمان از روش‌های توصیفی، تطبیقی و تحلیلی استفاده شده است. این بدان سبب است که هویت و هدف مطالعات تطبیقی در بررسی‌های باستان‌شناسی به اشکال گوناگون قابلیت تفسیر دارند. باستان‌شناسان به‌هنگام تهیه گزارش پژوهشی، آثاری را که یافته‌اند دسته‌بندی می‌کنند و سپس بر اساس این دسته‌بندی‌ها به تاریخ‌گذاری آثار دست‌می‌زنند و طبقه‌بندی گونه‌ها (گونه‌شناسی) به آن‌ها کمک می‌کند که تفاوت آثار را بشناسند و درضمن تطبیق آن‌ها با نمونه‌های مشابه، به پاسخی درست دست‌یابند (دارک، ۱۹۹۵: ۹۶).

در پاسخ به پرسش پژوهش حاضر، مطالعات باستان‌شناسانه با نقشه‌برداری کامل از محدوده‌ای که دارای شواهد فرهنگی است، آغاز شد. همچنین با عنایت به اینکه استناد به منابع تاریخی، محلات مختلف شهر مورد مطالعه سکونتگاه صاحبان علوم، حرف و مشاغل خاص و نیز اقلیت‌های دینی و طبقات اجتماعی مختلف بوده است، به‌منظور درک فضای اجتماعی- فرهنگی هر محله از منابع معتبر عصر ساسانی و قرون اولیه اسلامی بهره‌برداری شده است. بخش اعظمی از اطلاعات نوشتار حاضر از مطالعات میدانی حاصل شده و درحقیقت بررسی‌های میدانی برای تعیین روند تداوم استقرار در این شهر به انجام رسیده است.^۲ به‌عبارت‌دیگر تلاش شده است تا اطلاعات کلی درباره‌ی تاریخ تحول اسکان در محله‌های مختلف این شهر حاصل آید.

اهمیت این بررسی‌های سطحی بدان حد است که در بیشتر موارد کاوش‌های باستان‌شناختی، بدون بررسی‌های نخستین و یا بدون در نظر گرفتن نتایج بررسی‌های پیشین علمی امکان‌پذیر نیست (علیزاده، ۱۳۸۶: ۱۸۹). هدف اصلی بررسی‌های باستان‌شناختی حاضر، مشخص کردن عملکرد پهن‌دشت جندی‌شاپور و سنجش و درک درست الگوهای استقرار موجود در آن بود. در نیل به این هدف مراحل نظیر کشف محوطه‌ها، ارزیابی محدوده‌های فضایی محوطه‌ها و تعیین پراکنش عمومی مواد آن‌ها به انجام رسیده است.

اگرچه با توجه به گستردگی محوطه و آشفتگی زیاد در توزیع و پراکنش مواد فرهنگی سطحی، به دلیل فعالیت‌های گسترده و مستمر کشاورزی و عمرانی، تهیه داده‌ها و مواد فرهنگی با مشکلاتی مواجه بود^۳، مع‌الوصف در بررسی سامانمند سطحی، یافته‌های باستان‌شناختی از ۴۱ تپه باستانی جمع‌آوری و مستندسازی شد (جدول ۱) در این بررسی ۴۱ تپه باستانی با احجام مختلف شناسایی شد که اگرچه تراکم داده‌های منقول در آن‌ها اندک است، به دلیل ظهور مصالح معماری در مقاطع‌شان بی‌تردید بقایای شهر مورد مطالعه را در خود جای داده‌اند. نظر به اینکه به واسطه گذشت ایام از دیوار دفاعی شهر تنها بخشی به طول تقریبی یک کیلومتر و پهنای هشت متر (در منتهی‌الیه غرب آن و نزدیک رودخانه سیاه منصور) باقی مانده است، تشخیص جزئیات آن بدون مطالعات تکمیلی امکان‌پذیر نیست.

به‌علاوه، از آنجایی که در ساختار اصلی شهرها، شبکه‌های ارتباطی، فضاهای زیستی و مراکز عمده فعالیت (اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و مذهبی) نقش مؤثری ایفا می‌کنند و با توجه به اینکه ویژگی‌های کالبدی شهر (فرم) معلول رفتار انسان در فضا است و این نیز خود به کیفیت تصور و درک او از محیط بستگی دارد، بدون اطلاع از ویژگی‌های مذکور درک دقیق عملکرد کالبدی آن غیرممکن است. بدین‌منظور، تلاش شد تا کلیه شواهد محسوس فرهنگی شهر جندی‌شاپور با دقت تمام مستندسازی شده و مفاهیم نهفته در آن‌ها مشخص شود.

۴. گونه‌شناسی و گاهنگاری داده‌های سفالی

در نقشه‌ی تهیه شده‌ی جدید مشخص شد که بافت مرکزی محوطه بالغ‌بر چهارصد هکتار وسعت دارد. در تطبیق اطلاعات به‌دست‌آمده از نقشه‌برداری با عکس هوایی محوطه، نقشه‌ی تکمیلی به‌دست آمد که از قابلیت بسیاری در تحلیل کالبد و عملکرد محوطه برخوردار است. آن‌چنان‌که آورده شده، مطالعات میدانی شهر با بررسی پیمایشی سامانمند و جستجوی دقیق از سطح تمام تپه‌های بافت مرکزی به انجام رسید. همچنین از روش بررسی روشمند برای نمونه‌برداری داده‌های فرهنگی سطحی استفاده شد. در این نمونه‌برداری اولین واحد نمونه با روش تصادفی انتخاب می‌شود و همه واحدهای دیگر با روشی از پیش تعیین‌شده و با توجه به اندازه‌ی قسمت‌های دلخواه انتخاب می‌شوند (رنفریو و بان، ۱۳۹۰: ۳۹۵). استفاده از این روش پوشش یکپارچه‌تری از یک منطقه را، بسیار بهتر از آنچه ممکن بود به‌وسیله نمونه‌برداری تصادفی ساده به‌وجود آید، تضمین می‌کند (هستر و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴). بدین‌ترتیب از سطح تمام تپه‌های باستانی و محوطه‌های بافت مرکزی شهر نمونه‌برداری شد. (تصویر ۳ و جدول ۱)

به‌منظور مطالعه‌ی نمونه‌های جمع‌آوری‌شده‌ی آثار سطحی نیز، از روش طبقه‌بندی روشمند سنتی یعنی روش انواع سری استفاده و در آن تمامی قطعات سفال‌ها شماره‌گذاری، پشت‌نویسی، عکس‌برداری و طراحی شده و برای آن‌ها شناسنامه‌ای از مشخصات فنی تهیه شد. بدین‌ترتیب، امکان گونه‌شناسی، طبقه‌بندی،

آمارگیری و تنظیم نمودار از چگونگی نوع سفال‌ها، دوره‌های استقرار و چگونگی بافت فضای شهری محوطه فراهم شد (دورت، ۱۳۹۲: ۲۲۳) (جدول ۲.۳.۴).

در بررسی سامانمند شهر جندی شاپور چهل‌ویک تپه باستانی که دارای یافته‌ها و داده‌های باستان‌شناسی بودند، شناسایی شد و نمونه‌برداری از کل تپه‌های محوطه صورت گرفت و در مجموع تعداد ۷۴۲ قطعه سفال شاخص دوره‌ی ساسانی و اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت که در مجموع ۶۱٪ از قطعه‌ها لبه هستند (جدول ۲). از نظر ساخت ۹۹٪ از کل سفال‌ها چرخ‌سازند و ۹۹٪ آن‌ها پخت کافی دارند. همچنین با توجه به نوع و جنس خاک محل و جاری بودن رودخانه سیاه منصور، با بستری شنی در کناره غربی جندی شاپور ۹۹٪ آمیزه کل سفال‌ها، شن است. از نظر تزئینات، ۳۱٪ کل سفال‌ها منقوش و ۶۹٪ ساده هستند، همچنین ۲۸٪ آن‌ها لعاب‌دار و ۷۲٪ بدون لعاب هستند. از نظر رنگ خمیره، ۶۳٪ نخودی، ۲۹٪ قهوه‌ای، ۷٪ قرمز و ۱٪ خاکستری هستند. با توجه به وجود تعدادی جوش‌کوره و تراکم سفال در تپه‌های ۲۱-۲۲-۲۵-۲۷-۲۹-۳۰ و همچنین تعدادی کوره پخت سفال در تپه شماره‌ی ۲۵ (تصویر ۱)، می‌توان نتیجه گرفت که سفال‌ها در محل ساخته شده‌اند و حاشیه‌ی شمال غربی شهر، محل صنعتی و کارگاه ساخت سفال‌ها بوده است (نمودارهای ۱ تا ۶).

همه‌ی سفال‌های ساسانی چرخ‌ساز هستند و اغلب آن‌ها از پخت کافی برخوردار و از لحاظ ضخامت اکثراً متوسط و دارای بافت متراکم و محکم هستند و اغلب اثر چرخ سفالگری روی بدنه خارجی یا داخلی آن‌ها دیده می‌شود. بیشتر سفال‌ها پرداخت شده‌اند و دارای خمیره و پوشش گلی یکرنگ هستند و آمیزه معدنی ریز تا درشت دارند. آمیزه آن‌ها اغلب شن و به‌ندرت با مواد گیاهی استحکام یافته‌اند. تزئینات روی سفال‌های دوره‌ی ساسانی بیشتر شامل: نقوش کنده، برجسته، افزوده، استامپی، طنابی، شانه‌ای، نیشگون و خراش داده شده است و نقوش آن‌ها شامل: نقوش هندسی، از جمله خطوط موازی مستقیم یا مورب، خطوط متقاطع، زیگزاگ، مثلث‌ها و نقطه‌ها هستند. همچنین برخی از سفال‌های دوره‌ی ساسانی با لعاب سبزی پوشیده شده‌اند (جدول ۵-۶ و تصویر ۵). سفال‌های ساسانی بر اساس شکل ظرف به شش گروه قابل طبقه‌بندی هستند: کوزه‌ها که خود شامل دو گروه هستند: کوزه‌ها با گردن کوتاه و کوزه‌های بدون گردن؛ خمره‌ها که شامل دو گروه هستند: خمره‌های دهانه بسته و خمره‌های دهانه باز و کاسه‌ها: کاسه‌های بزرگ دهانه‌گشاد، بشقاب‌ها، تغار.

از نمونه‌های شاخص دوره‌ی اسلامی، می‌توان ظروف سفالین با تکنیک‌های لعاب یکرنگ و چندرنگ، لعاب پاشیده، اسگرافیتو، نقاشی زیرلعاب، زرین‌فام، سلادن و چینی‌های آبی و سفید دوره‌ی صفویه را نام برد. سفال‌های دوره‌ی اسلامی با لعاب تک‌رنگ سبز، فیروزه‌ای، قهوه‌ای و کرم پوشیده شده‌اند. سفال‌های لعاب‌دار دوره‌ی اسلامی دارای نقوش تزئینی اسلیمی و هندسی و گیاهی هستند. سفال‌های بدون لعاب دوره‌ی اسلامی دارای تزئینات: نقوش کنده، افزوده، استامپی، شانه‌ای و خراش داده شده است و نقوش آن‌ها شامل نقوش هندسی، از جمله خطوط موازی و مورب، خطوط متقاطع، زیگزاگ، مثلث‌ها و نقطه‌ها هستند. مطالعه‌ی سفال‌های نمونه‌برداری شده از بررسی شهر، نشان‌دهنده‌ی تداوم استقرار از دوره‌ی ساسانی به دوره‌ی اسلامی است. به همین دلیل برخی از گونه‌های سفالی دوره‌ی ساسانی نیز، در قرون اولیه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است، به‌عنوان نمونه تزئینات سفال‌ها با نقوش کنده شانه‌ای، موج و همچنین نقوش کنده و برجسته تداوم دارند. سفال‌های دوره‌ی اسلامی بر اساس شکل ظرف به شش گروه قابل طبقه‌بندی هستند: کوزه‌ها، خمره‌ها، کاسه‌ها، بشقاب‌ها، تغار و پی‌سوز (جدول ۵-۶ و تصویر ۵).

به‌منظور گاهنگاری یافته‌های سفالی به‌دست‌آمده در بررسی شهر جندی‌شاپور، نمونه‌های شاخص پس از طراحی و گونه‌شناسی، به تفکیک دوره‌ها طبقه‌بندی شده و از منابع و مراجع دوره‌ی ساسانی در مطالعات تطبیقی داده‌های سفالی بهره گرفته شد، (جدول ۶ و ۵) و در مجموع، ۶۲٪ ساسانی، ۲٪ قرن چهارم هجری، ۲۴٪ سلجوقی، ۵٪ سلجوقی و ایلخانی، ۲٪ ایلخانی، ۱٪ تیموری و ۴٪ متعلق به دوره‌ی صفویه هستند. در مجموع ۶۲٪ از کل سفال‌ها متعلق به دوره‌ی ساسانیان و ۳۸٪ به دوره‌ی اسلامی تعلق دارند (نمودار ۷).

۵. نتیجه

آن‌چنانکه آورده شد، در مطالعات باستان‌شناختی شهر جندی‌شاپور، چهل و یک تپه باستانی با ابعاد مختلف شناسایی و ثبت و مشخص شد که تراکم داده‌های سطحی در برخی از محوطه‌ها اندک و محدود است. همچنین تعداد یازده تپه، به‌غیراز محوطه‌های مذکور، دارای بافت طبیعی بوده و فاقد داده‌های سفالی و مصالح معماری هستند که بیشتر آن‌ها در حاشیه‌ی شهر واقع شده‌اند. به‌منظور گاهنگاری سفال‌های به‌دست آمده، نمونه‌های شاخص پس از طراحی، گونه‌شناسی و همچنین مقایسه‌ی تطبیقی، با منابع معتبر دوره‌ی ساسانی، به تفکیک دوره‌ها طبقه‌بندی شدند و به‌منظور گاهنگاری شهر مورد استفاده قرار گرفته‌اند (جدول ۶ و ۵).

نقشه‌ی تهیه شده نگارندگان از محدوده‌ای که در بررسی‌های سطحی شواهد منقول و غیرمنقول فرهنگی در آنجا به ثبت رسیده است، معلوم داشت که بخش اصلی و مرکزی شهر جندی‌شاپور با پلانی مستطیلی‌شکل در مساحتی معادل چهارصد هکتار ایجاد شده (که موردبررسی و نمونه‌برداری قرارگرفته است) و حومه شهر نیز به همین وسعت اختصاص به تولید محصولات کشاورزی داشته است (تصویر ۲). از ویژگی‌های منحصربه‌فرد دیگر این شهر وجود شبکه‌های بسیار قوی ارتباطی و آبرسانی بوده که شواهد آن در بررسی‌های میدانی شناسایی شدند (تصویر ۴).

اگرچه در بررسی‌های میدانی هیچ‌گونه داده شاخص و فراوانی از استقرار پیش از دوره‌ی ساسانیان در شهر، یافت نشد، از آنجایی که منابع تاریخی قرون اولیه اسلامی آن را شهری حاصلخیز، آباد و پر برکت توصیف کرده‌اند، تردیدی نیست که پس از سقوط ساسانیان حیات و رونق شهر همچنان ادامه داشته است. به‌علاوه، در مطالعه‌ی داده‌های منقول سطحی مشخص شد که استقرار در شهر جندی‌شاپور تا پایان دوره‌ی سلجوقیان تداوم داشته است. از روزگار صفویان به‌بعد شواهدی دال بر استمرار حیات شهر به‌دست نیامده است (جدول ۴). وجود بقایای شش عدد سنگ آسیاب در تپه‌ی شماره شانزده در محدوده بافت مرکزی شهر، که از جمله عناصر صنعت عصار می‌شود، حکایت از استفاده از دانه‌های روغنی مانند کنجد دارد که مورد اشاره مورخین و جغرافی‌نویسان قرون اولیه اسلامی قرار گرفته است (تصویر ۱). لیکن کشف شواهد مبتنی بر روش شهرسازی و شیوه‌ی معماری و فعالیت‌های صنعتی، نیازمند کاوش‌های باستان‌شناسانه است. علیرغم آنکه شهر جندی‌شاپور از نظر تاریخی- فرهنگی و باستان‌شناسی اهمیت بسیاری دارد، لیکن همچنان توسط کشاورزان و خزاران غیرمجاز در حال ویرانی و تخریب است.

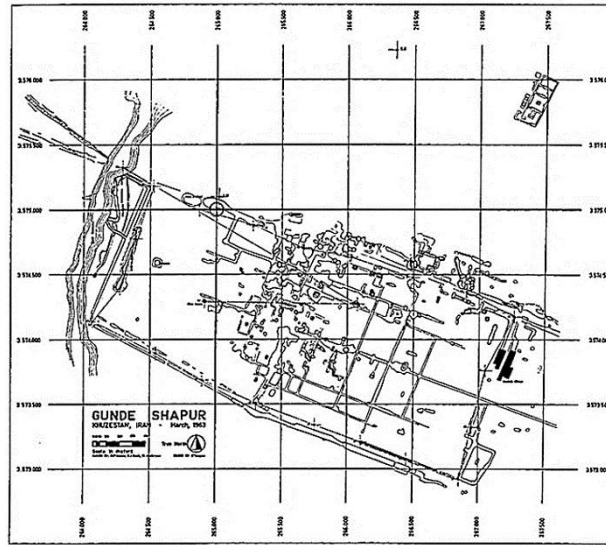
پی‌نوشت

۱. سید محمدعلی امام می‌نویسد: یعقوب بن لیث صفر در ۲۳ رجب ۲۶۲ هجری، پس از درگیری با معتمد عباسی و عقب‌نشینی از برابر سپاه او این شهر را به‌واسطه دارابودن دژ مستحکم و همچنین ارتباط با سایر شهرهای خوزستان و موقعیت سوق‌الجیشی خاصی که داشت، پایتخت خود قرار داد و در ۲۶۵ هجری در این شهر درگذشت، قبرش تا قرن ۷ هجری در

ویرانه‌های این شهر مشهود بود و همه مورخین و جغرافی‌نویسان اسلامی تا آن هنگام از آن نام برده‌اند. (امام، ۱۳۸۲: ۲۱) برخی از مورخین محل درگذشت یعقوب لیث را شهر شاپورگرد (جندی‌شاپور) ذکر کرده‌اند (تاریخ سیستان، ۱۳۷۳: ۲۳۳)، (مروج‌الذهب، ۱۳۷۴: ۴۴۴)، (طبری، ۱۳۶۲: ۲)، (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۳۳۴) (حکمت‌فر، ۱۳۸۱: ۱۷۳) (اقتداری، ۱۳۷۵: ۳۳۸) (داعی، ۱۳۷۰: ۵۴).

۲. نقشه‌برداری و بررسی با نامه شماره ۴۰۵۱/ف، مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۴، سازمان میراث فرهنگی و با حمایت و نظارت مدیریت محترم وقت میراث فرهنگی استان خوزستان به انجام رسید.

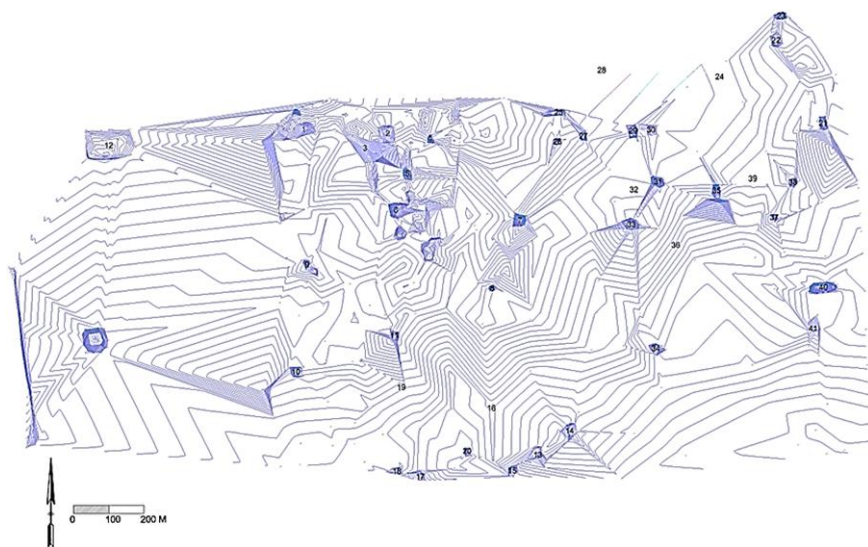
۳. درحال حاضر، به غیر از تپه‌های اصلی شناسایی‌شده، تمام محدوده محوطه باستانی شهر زیرکشت محصولات مختلف کشاورزی قرار دارد.



نقشه ۲: نقشه‌برداری شهر جندی‌شاپور توسط رابرت مک ادمز (Adams & Hanson, 1968)



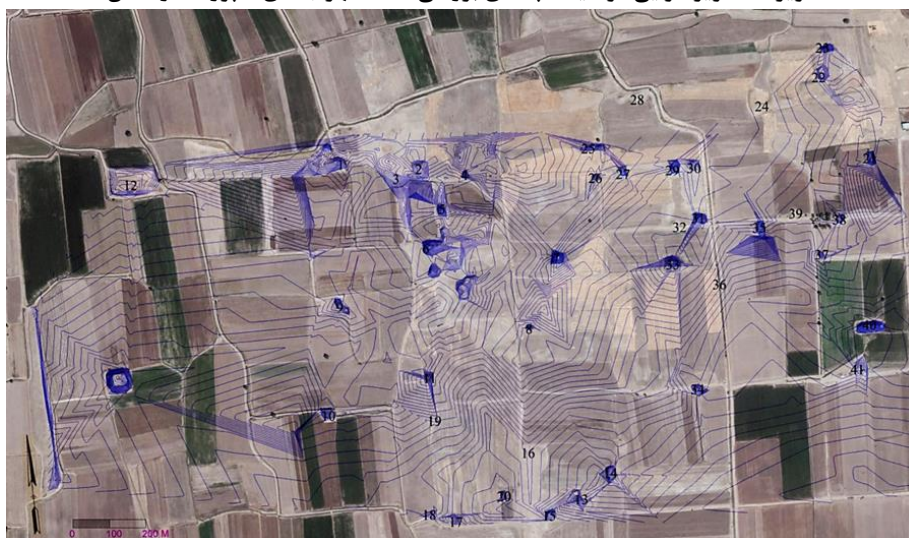
نقشه ۱: موقعیت شهر جندی‌شاپور (نقشه عملیات مشترک زمینی، سری K551)



نقشه ۳: موقعیت تپه‌های بررسی شده شهر جندی‌شاپور در نقشه توپوگرافی (نقشه‌برداری ۱۳۹۲) (نگارندگان)



تصویر ۱: تصویر هوایی موقعیت تپه‌های بررسی شده شهر جندی‌شاپور (نگارندگان)



تصویر ۲: موقعیت تپه‌ها در نقشه همپوشانی توپوگرافی و تصویر هوایی شهر جندی‌شاپور (نقشه‌برداری ۱۳۹۲) (نگارندگان)



تصویر ۳: نقشه‌برداری و نمونه‌برداری از تپه‌های شهر جندی شاپور (نگارندگان)



تصویر ۴: مجموعه سازه‌های آبی شهر جندی شاپور: A: قنات، B: پل - بند، C: پل بند خرطومی، D: سازه آبی

جدول ۱: نقاط UTM تپه‌های بررسی شده شهر جندی شاپور (نگارندگان)

UTM	LOCATION	شماره تپه	UTM	LOCATION	شماره تپه
3574765	39 S 0266788	21	3575360	39 S 0265437	1
3575083	39 S 0266802	22	3575251	39 S 0265645	2
3575022	39 S 0266759	23	3575224	39 S 0265573	3
3574953	39 S 0266567	24	3575169	39 S 0265750	4
3575098	39 S 0266105	25	3575116	39 S 0265649	5
3575030	39 S 0266074	26	3575028	39 S 0265579	6
3575009	39 S 0266148	27	3574870	39 S 0265888	7
3575089	39 S 0266235	28	3574729	39 S 0265735	8
3574476	39 S 0265380	29	3574998	39 S 0265285	9
3574945	39 S 0266331	30	3574734	39 S 0265137	10
3574804	39 S 0266290	31	3574706	39 S 0265426	11
3574797	39 S 0266224	32	3575512	39 S 0264906	12
3574722	39 S 0266171	33	3574232	39 S 0265665	13
3574376	39 S 0266092	34	3574262	39 S 0265778	14
3574718	39 S 0266435	35	3574230	39 S 0265578	15
3574617	39 S 0266268	36	3574398	39 S 0265598	16
3574566	39 S 0266550	37	3574312	39 S 0265335	17
3574638	39 S 0266641	38	3574352	39 S 0265282	18
3574682	39 S 0266543	39	3574564	39 S 0265399	19
3574333	39 S 0266595	40	3574324	39 S 0265480	20
3574238	39 S 0266521	41			

جدول ۲: آمار شکل، پرداخت و تزیینات، کل سفال‌های بررسی شهر جندی‌شاپور

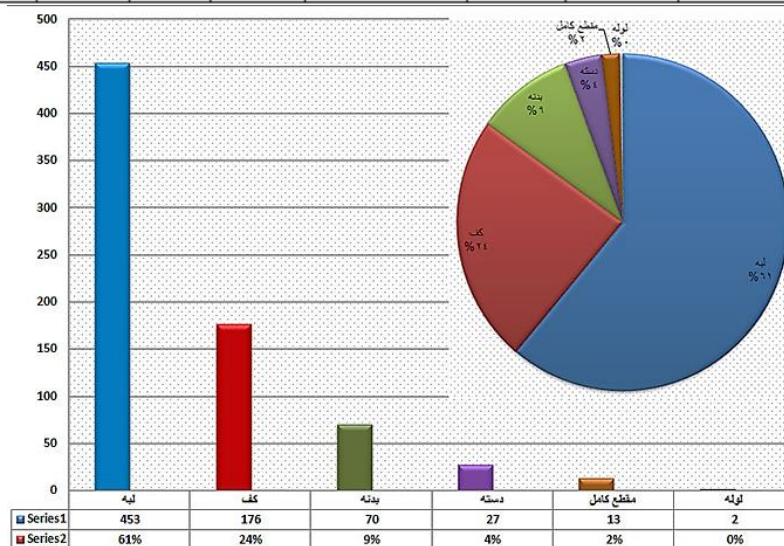
تعداد	لبه	کف	بدنه	دسته	لوله	مقطع کامل	پرداخت		تزیینات		جمع
							لعابداری	بدون لعاب	منقوش	ساده	
۴۵۳	۱۷۶	۷۰	۲۷	۲	۱۳	۲۰۹	۵۳۳	۲۳۱	۵۱۱	۷۴۲	

جدول ۳: آمار رنگ، ساخت و آمیزه، کل سفال‌های بررسی شهر جندی‌شاپور

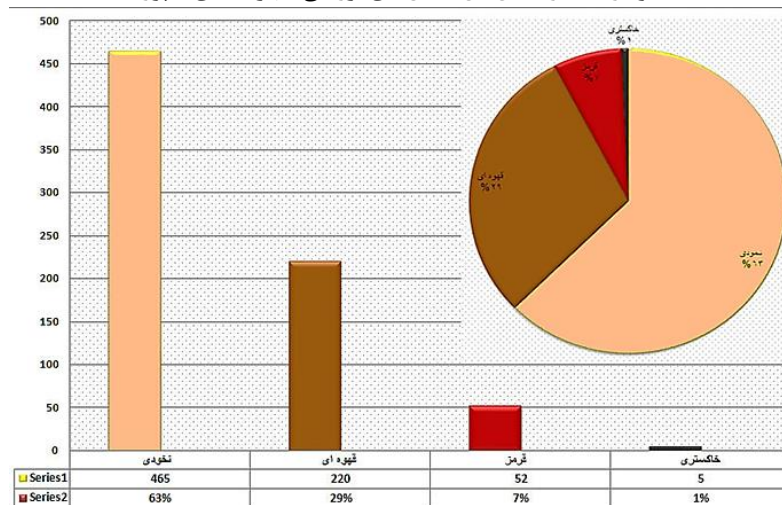
تعداد	رنگ خارج			رنگ خمیره				ساخت	پخت	شاموت		جمع		
	نخودی	فرمز	خاکستری	قهوه ای	لعب	قیر	نخودی	فرمز	خاکستری	قهوه ای	چرخ		کافی	شن
۳۸۸	۲۹	۲	۱۲۲	۱۹۳	۸	۴۶۵	۵۲	۵	۲۲۰	۷۳۷	۷۳۳	۷۳۷	۵	۷۴۲

جدول ۴: آمار گاهنگاری، کل سفال‌های بررسی شهر جندی‌شاپور

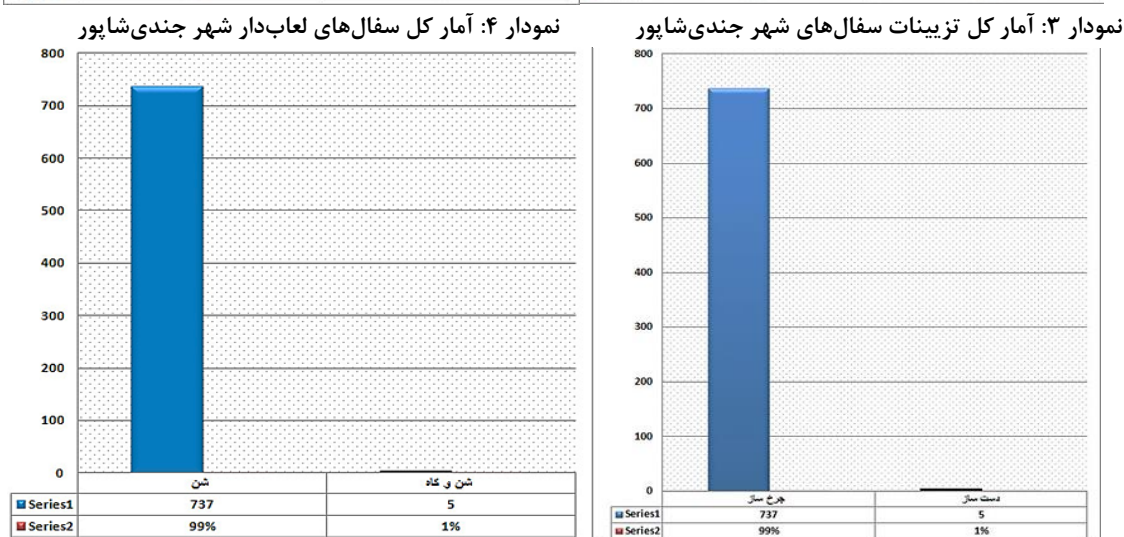
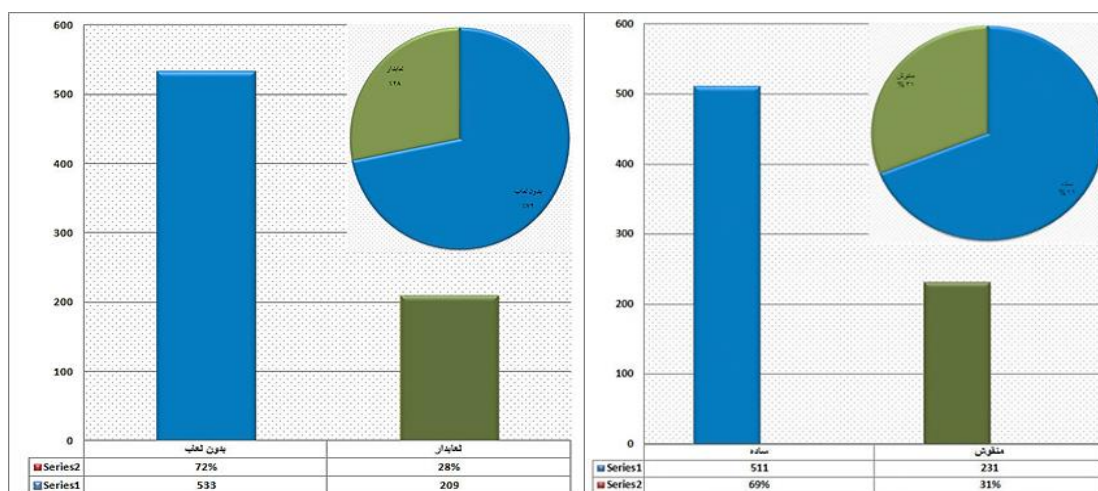
تعداد	ساسانی	قرن ۴ هجری	سلجوقی	سلجوقی، ایلخانی	ایلخانی	تیموری	صفوی	جمع	دوره تاریخی	
									دوره اسلامی	
۴۵۹	۱۷	۱۷۶	۳۷	۱۶	۵	۳۲	۷۴۲			



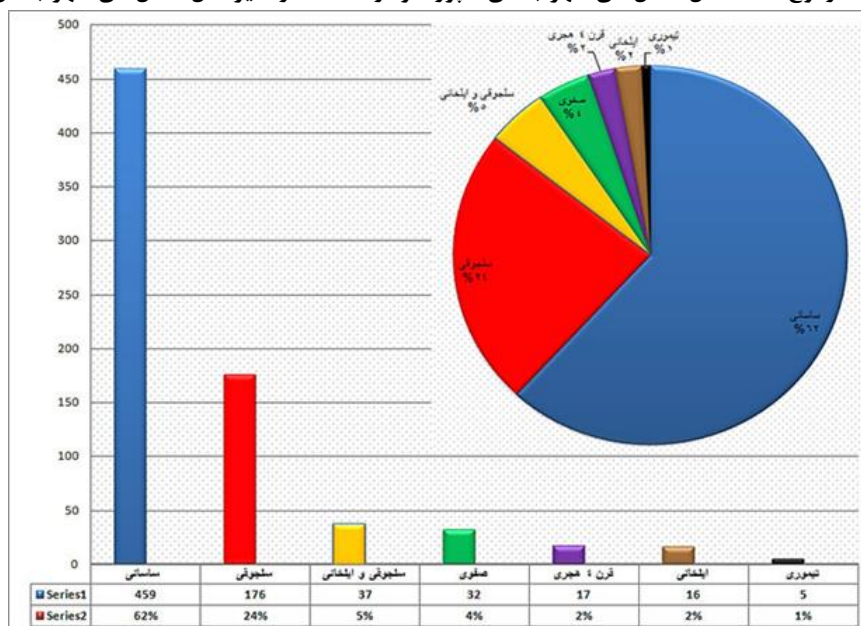
نمودار ۱: آمار شکل کل سفال‌های بررسی شهر جندی‌شاپور



نمودار ۲: آمار رنگ خمیره کل سفال‌های بررسی شهر جندی‌شاپور

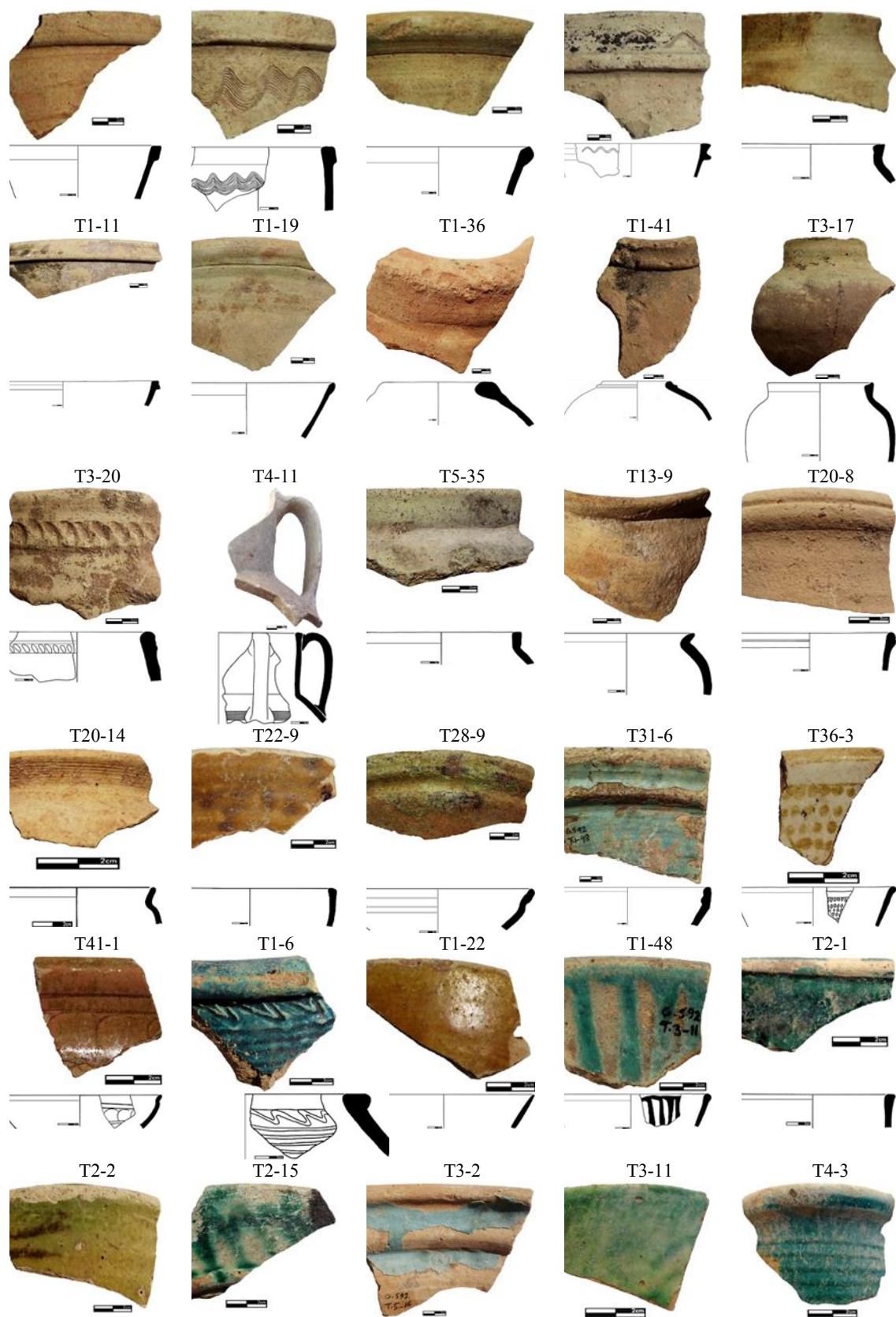


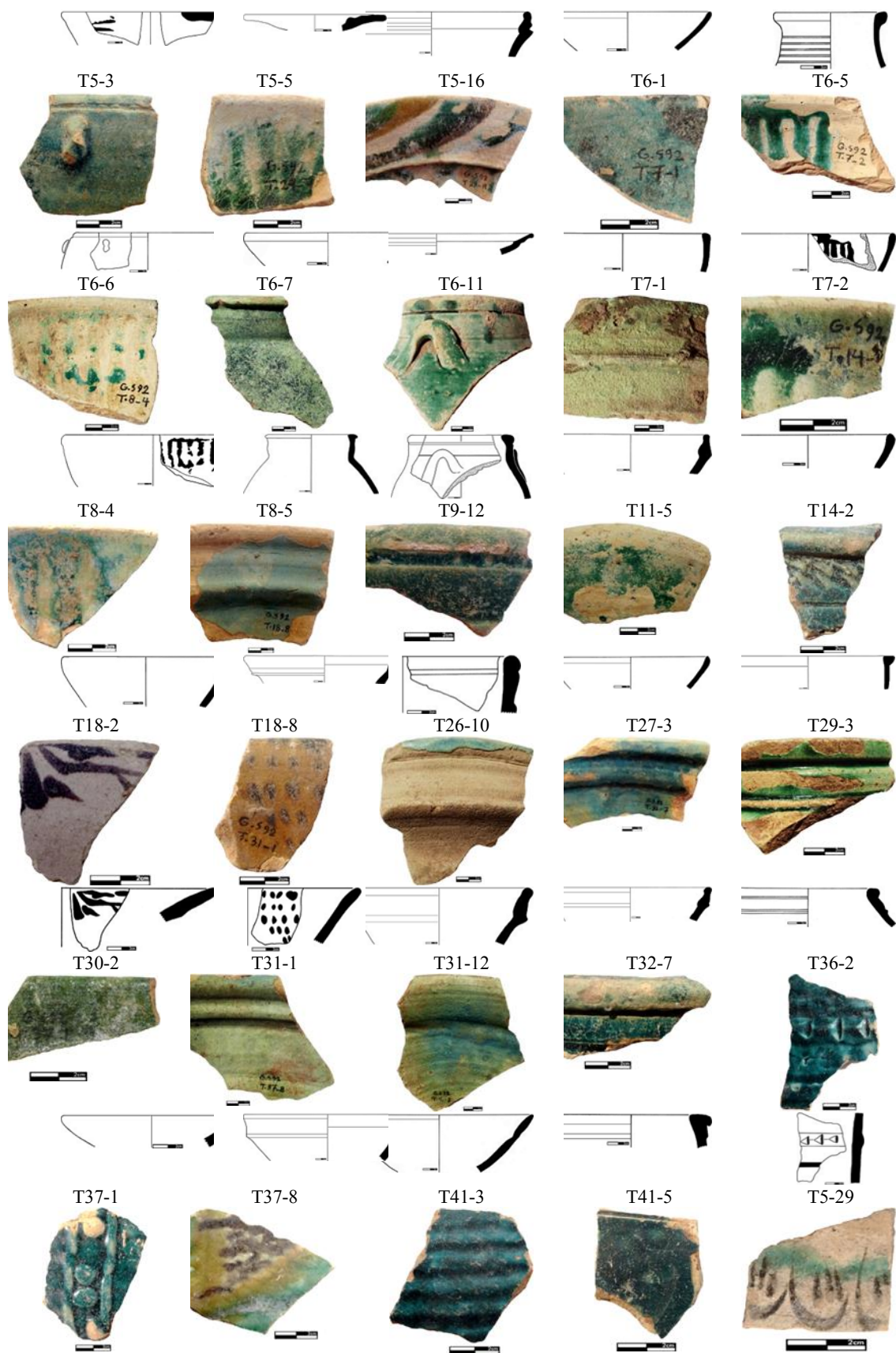
نمودار ۵: آمار نوع ساخت کل سفال‌های شهر جندی شاپور نمودار ۶: آمار آمیزه کل سفال‌های شهر جندی شاپور

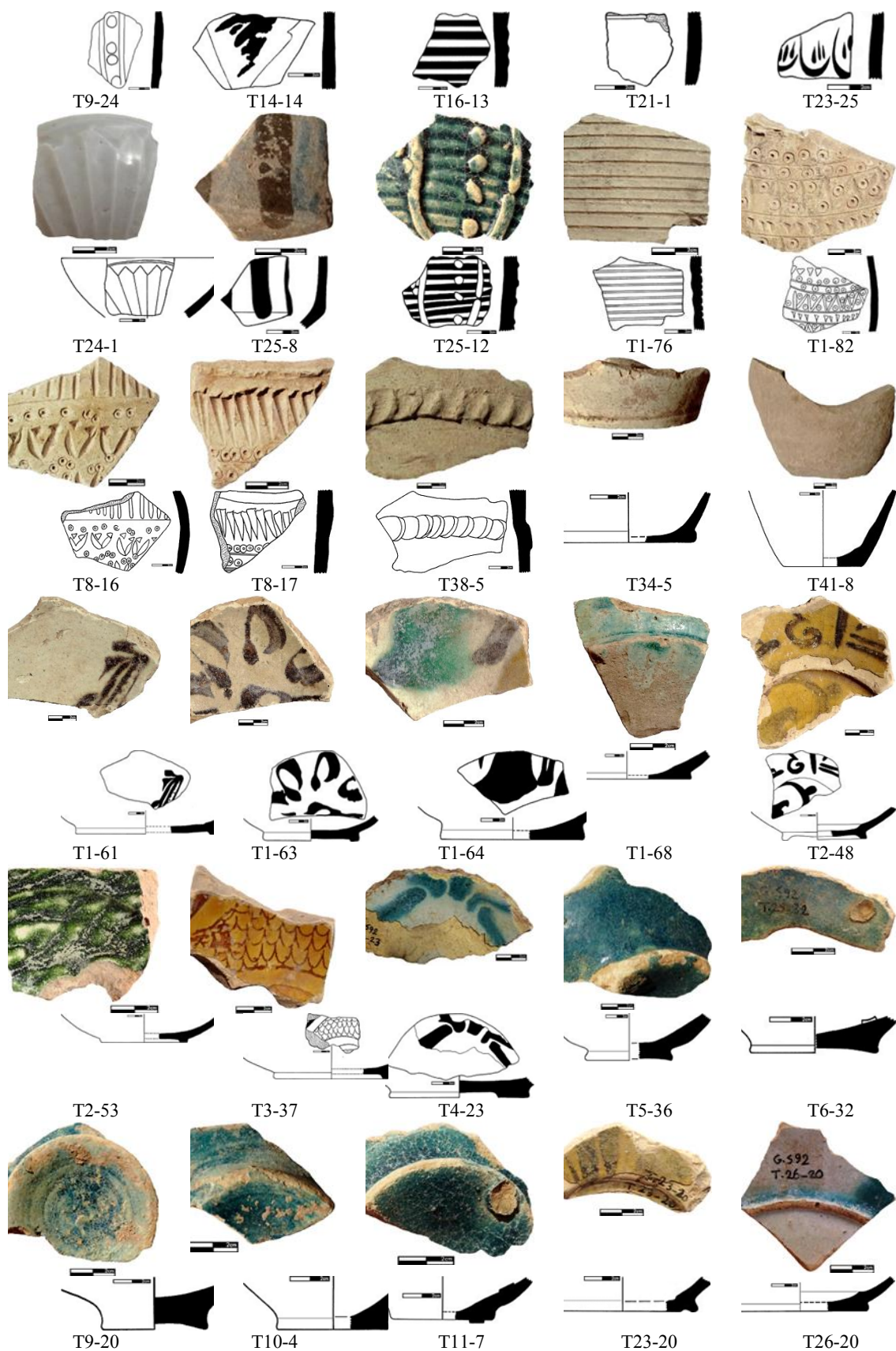


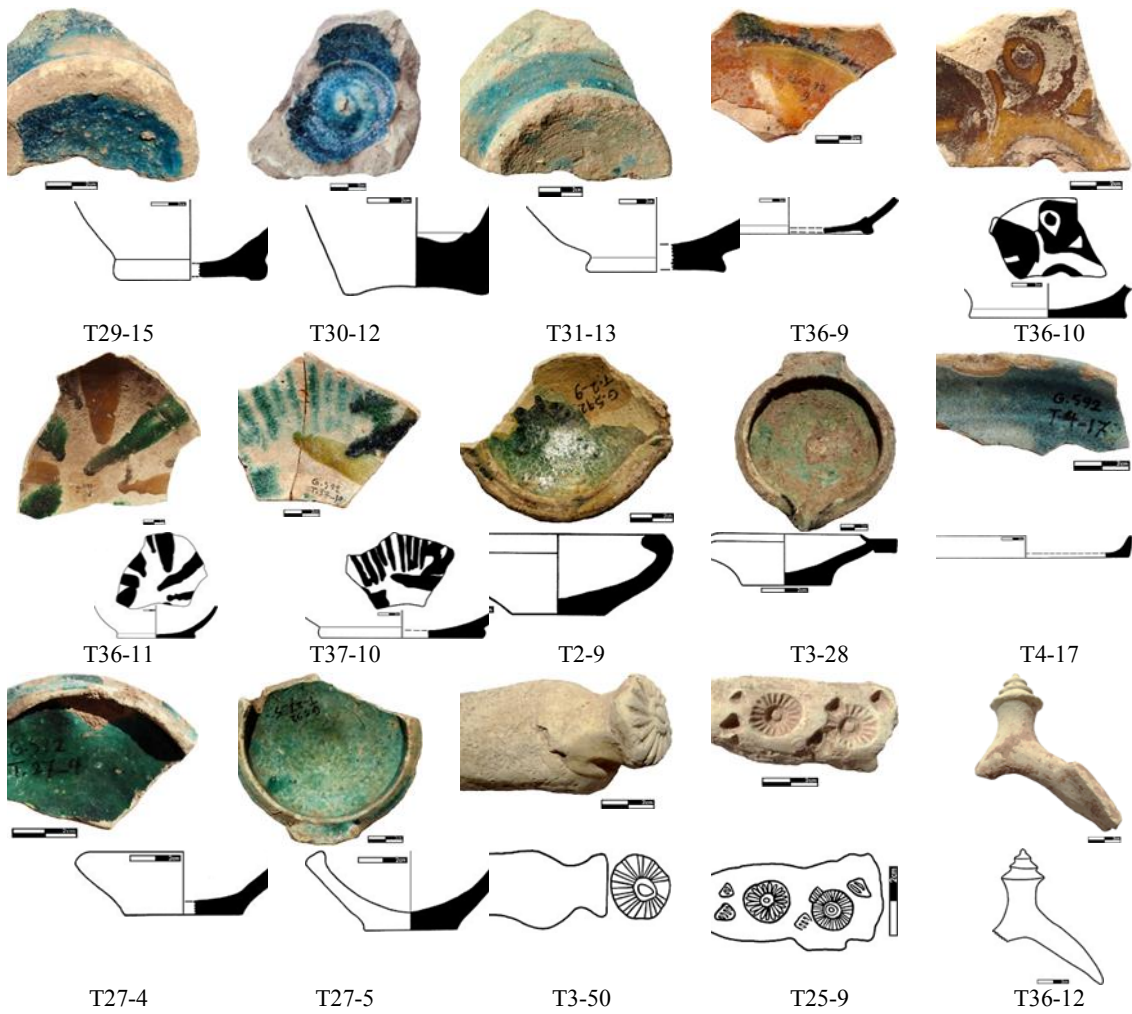
نمودار ۷: آمار قدمت کل سفال‌های بررسی شهر جندی شاپور

تصویر ۵: طرح سفال‌های شهر جندی‌شاپور (نگارندگان)









جدول ۵: مشخصات سفال‌های شهر جندی شاپور

[illegible]

شماره مقاله	نوع تولید	فرآیند	تجهیزات	رنگ تنظیم	بلندگی سطل (cm)	قطر (cm)	ارتفاع (cm)	دوره زمانی	منبع مقاله
T27-5	منتقل	فرفریج	چرخ ساز	کافی	شدن	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p173,fig k
T28-9	به توسط	فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Keall 1981,p48, fig14-20-Azarnoush. 1994,p209,fig186d
T-29-3	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p111,fig d
T29-15	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	کی‌بی، ۱۶ص، ۷۵ص، ۱۲۳ص
T30-2	به فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Alizadeh,2014,p177,fig g
T30-12	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	کی‌بی، ۵۷ص، ۱۰۶ص، طرح ۵۸
T30-12	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p177,fig g
T31-1	به فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Alizadeh,2014,p1353,fig a
T31-6	به توسط	فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Keall 1981,p49, fig16-26-Alizadeh,2014,p163,fig a
T31-12	به خشن	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Alizadeh,2014,p112,fig d
T31-13	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p177,fig g
T32-7	به خشن	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Alizadeh,2014,p112,fig d
T34-5	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p133,fig j
T35-6	به توسط	فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p159,fig j
T36-3	به توسط	فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p1631,fig f
T36-9	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p171,fig e
T36-10	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p171,fig e
T36-11	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p171,fig e
T36-12	منتقل	دمستر	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Keall 1981,p52, fig22-28
T37-12	به فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Alizadeh,2014,p135,fig b
T37-8	به خشن	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Alizadeh,2014,p112,fig d
T37-10	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p101,fig h
T38-5	بدنه خشن	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Keall 1981,p55, fig27-8
T41-1	به فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	عالمی	Azarnoush 1994,p212, fig189p
T41-3	به توسط	فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Alizadeh,2014,p93,fig c
T41-5	به توسط	فرفریج	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	کی‌بی، ۱۶ص، ۷۵ص، ۱۲۳ص
T41-8	کف	نیروی	چرخ ساز	کافی	نیروی	سیز	نیروی	عالمی	Azarnoush 1994,p212, fig189p

این حوقل، سفرنامه (۱۳۴۵)، *ایران در صورہ الارض*، چاپ اول، ترجمه: جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.

افشار، ایرج؛ امیدسالار، محمود (۱۳۷۹)، *مجمعل التواریخ و القصص (۵۲۰ هـ.ق)*، نسخه عکسی مورخ ۷۵۱ (کتابخانه دولتی برلین)، تهران، طلایه.

اقتداری، احمد (۱۳۷۵)، *آثار و بناهای تاریخی خوزستان*، چاپ دوم، جلد اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر ملی ایران.

اصفهانی، حمزه (۱۳۶۷)، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه‌ی جعفر شعار، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.

امام، سیدمحمدعلی (۱۳۸۲)، *مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول*، چاپ اول، دزفول، دارالمومنین.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۵)، *یعقوب لیث*، چاپ چهارم، تهران، چکامه.

بارتولد، و (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیایی تاریخی ایران*، ترجمه‌ی حمزه سردادور، چاپ اول، تهران، اتحاد.

برونر، کریستوفر (۱۳۸۷)، *تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد*، تاریخ ایران کمبریج، جلد سوم، ترجمه‌ی حسن انوشه، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر.

پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۸)، *سیری در هنر ایران*، ترجمه‌ی نجف دریابندی، جلد پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.

پیگولوسیکایا، نینا (۱۳۸۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، چاپ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی.

تاریخ سیستان (۱۳۷۳)، تألیف نیمه قرن پنجم هجری، ویرایش: جعفر مدرس صادقی، چاپ اول، تهران، مرکز.

تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۴)، *دانشگاه گندی شاپور*، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

حکمت‌فر، محمدحسین (۱۳۸۱)، *زیارت بقاع متبرکه دزفول*، چاپ اول، دزفول، دارالمومنین.

دورت، پیترا (۱۳۹۲)، *درآمدی بر باستان‌شناسی میدانی*، ترجمه‌ی حجت دارابی، چاپ اول، تهران، سمت.

دارک، کن آر (۱۳۷۹)، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، چاپ اول، ترجمه‌ی کامیار عبدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

داعی دزفولی، سیدعبدالله (۱۳۷۰)، *مجمع الابرار و تذکره الاخیار*، چاپ دوم، قم، چاپ نهضت.

دوبد، بارون (۱۳۷۱)، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، چاپ اول، ترجمه‌ی حسین آریا، تهران، علمی فرهنگی.

دینوری، ابوحنیفه (۱۳۴۶)، *اخبار الطوال*، چاپ اول، ترجمه‌ی صادق نشات، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

رنفریو، کالین؛ بان، پل (۱۳۹۰)، *مفاهیم بنیادی در باستان‌شناسی*، ترجمه‌ی اکبر پورفرج؛ سمیه، عدیلی، چاپ اول، تهران، میراث کتاب.

- ستوده، منوچهر (۱۳۵۲)، *حدود العالم من المشرق الى المغرب* (۳۷۲ هجری)، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- فرای، ریچارد (۱۳۷۱)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، تهران، امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۴۵)، *شاهنامه*، تهران، بروخیم.
- گیرشمن، رمان (۱۳۷۲)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه‌ی محمد معین، چاپ دهم، تهران، علمی و فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، *تاریخ طبری*، جلد هشتم، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۶)، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*، چاپ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کریمیان، حسن (۱۳۸۶)، «هویت کالبدی و بصری شهرهای ساسانیان»، *تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، (فروردین ۱۳۸۵)، جلد پنجم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۵۳۹-۵۶۰.
- کریمی، فاطمه؛ کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۴)، *هنر سفالگری دوره اسلامی ایران*، چاپ اول، مرکز باستان‌شناسی ایران، تهران، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۵۷)، *بررسی سفالینه‌های ایرانی مجموعه نخست‌وزیری*، چاپ اول، تهران، نخست‌وزیری.
- مسعودی (۱۳۷۴)، *مروج الذهب*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی.
- مقدسی (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقاسیم*، ترجمه‌ی علینقی منزوی، چاپ اول، تهران، مولفان و مترجمان ایران.
- هرمان، جورجینا (۱۳۷۳)، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- هستر، آر تامس؛ شیفر، هری‌جی؛ فدر، کنتل (۱۳۹۲)، *روش‌های میدانی در باستان‌شناسی*، مترجمان: کمال‌الدین نیکنامی؛ حسین صبری، چاپ اول، تهران، سمت.
- هوف، دیتربیش (۱۳۶۵)، *شهرهای ساسانی*، ترجمه‌ی محمدرحیم صراف، نظری اجمالی به شهرسازی و شهرنشینی در ایران، چاپ اول، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- هوف، دیتربیش (۱۳۷۴)، *نظری اجمالی به پایتخت‌های قبل از اسلام*، در پایتخت‌های ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۷۵)، *تاریخ ایران (از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان)*، تهران، امیرکبیر.
- یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران، طهوری.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، جلد اول، تهران، علمی فرهنگی.
- Alizadeh, A., 2014. *Ancient settlement systems and cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran: excavations at Tall-e Gesser and regional survey of the Ram Hormuz Area*, Oriental Institute Publication, vol. 140, The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Azarnoush, M., 1994. *The Sasanian Maner House at Hajiabad, Iran; Monography di Mesopotamia III*, Florance, Firenze, Case Editrice Letter, 19, pp. 106-293.
- Keall, E. J., & Keall, M., 1981. The Qaleh-I Yazdigird pottery: A statistical approach, *Iran*, 19: 33-80.
- Karimian, H. 2010. *Cities and social order in Sasanian Iran, the archaeological potential*, *Antiquity* 84 (324): 453-466.
- Khalili, N., 1995. *Cobalt and Luster: the first centuries of Islamic pottery*, in: Alastair Northedge, A., Tonghini, C., Kennet, D., Grube, E.J., Bayani, M., Nassar, N., Morgan, P., (eds.), *The Collection of Islamic Art*, Vol. IX, published in the United Kingdom by The Nour Foundation in association with Azimuth Editions and Oxford University Press, Pages: 348.
- Mc Adams, R., & Hanson, D.P., 1968. *Archaeological reconnaissance and soundings in Jundi Shahpur*, University of Michigan, pp. 53-73.